

بررسی نقش استراتژی تجاری در ارزیابی قدرت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی

مینا شیخی گرجان^۱

ایرج نوروش^۲

عطاالله محمدی ملقرنی^۳

چکیده

استقرار سیستم کنترل داخلی اثر بخش در واحدهای اقتصادی موجب افزایش اثربخش و کارایی عملیات و کسب اطمینان معقول از کیفیت گزارش‌دهی و رعایت قوانین و مقررات می‌شود. مطابق با تئوری سازمانی احتمال دارد شرکت‌هایی با استراتژی تهاجمی نسبت به شرکت‌هایی با استراتژی تدافعی نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی بیشتری را گزارش نمایند. هدف از انجام این تحقیق بررسی رابطه بین استراتژی تجاری و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۵ شرکت در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ انتخاب شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بین استراتژی تجاری و وجود ضعف کنترل‌های داخلی در واحدهای تجاری ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. از طرف دیگر بین استراتژی تجاری بکار گرفته شده توسط واحد تجاری و اصلاح نقاط ضعف کنترل‌های داخلی در سال‌های آتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌ها حاکی از این است که استراتژی تجاری می‌تواند بعنوان یک شاخص مفید در ارزیابی قدرت کنترل داخلی شرکت‌ها مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: استراتژی تجاری، کنترل‌های داخلی، نقاط ضعف بااهمیت

طبقه‌بندی موضوعی: M42

-
۱. دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
 ۲. استاد حسابداری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول، Inoravesh@ut.ac.ir)
 ۳. استادیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۱- مقدمه

کنترل داخلی، فرایندی است که به وسیله مدیریت و سایر کارکنان طراحی و اجرا می شود تا از دستیابی به اهداف واحد مورد رسیدگی در زمینه قابلیت اعتماد گزارشگری مالی، اثربخشی و کارایی عملیات و رعایت قوانین و مقررات مربوط، اطمینانی معقول به دست آید. از این رو، کنترل های داخلی برای شناسایی آن دسته از خطرهای کسب و کار، طراحی و اجرا می شود که دستیابی به هریک از این اهداف را تهدید می کند (محمدپور، ۱۳۹۲). کنترل داخلی، یک رویداد نیست، بلکه مجموعه ای از عملیات و فعالیت ها بر پایه ستانده است. کنترل داخلی باید به عنوان جزء لازم و ضروری هر سامانه ای شناسایی شود که مدیریت برای تنظیم و راهنمایی آن فعالیت ها بکار می گیرد، شناسایی شود (کمسیون تردوی^۴، ۱۹۹۲). با این مفهوم، کنترل داخلی کنترل مدیریت است که در درون یک واحد به عنوان بخشی از زیرساخت کنترل مدیریت به وجود می آید تا به مدیران در انجام کار یک واحد و دستیابی به هدف های آن بر پایه و اساس مداوم کمک کنند. مدیران همواره در تلاشند که بهترین کنترل های داخلی را در سازمان خود مستقر کنند؛ چون میدانند که در نبود سیستم کنترل داخلی اثربخش، تحقق رسالت اصلی سازمان و کمینه کردن رویدادهای غیرمنتظره بسیار مشکل خواهد بود (محمدی، ۱۳۸۷). تعاریف سیستم کنترل داخلی نشان می دهد که این سیستم ها، اساسا از کنترل های مدیریت متمایز نیستند (Chambers et.al, 1978).

سیستم های کنترل داخلی قوی، اثر مهم و قابل توجهی بر قابلیت اعتماد گزارش های مالی دارند (Jonescu, 2011) با گسترش اندازه واحد تجاری، فرایندهای کنترلی آن نیز تخصصی تر، مشکل تر و پیچیده تر می شوند (James et.al, 2000). عدم وجود نظارت کافی، منجر به ایجاد نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی می شود که این امر به نوبه خود محیط مناسبی را برای تقلب، سوء استفاده و هدر رفت ایجاد می کند (Huefner, 2011). ضعف در کنترل داخلی به صورت ضعف در جزء یا اجزای کنترل داخلی و اصول مربوط که احتمال دستیابی واحد تجاری به اهداف خود را کاهش دهد تعریف می شود (مهام، ۱۳۹۱). ضعف در سیستم کنترل داخلی، موجب عدم اعتماد سرمایه گذاران و عدم تمایل آنان به سرمایه گذاری می شود که این موضوع سودآوری شرکت ها را با مشکل مواجه خواهد کرد (Lixin et.al, 2014). امروزه با پیچیده شدن محیط کسب و کار، واحدهای تجاری بزرگ به منظور مقابله با تغییرات سریع رخ داده در حوزه های فناوری، بازار و اقتصاد، توجهی خاص به مباحث مدیریت استراتژیک داشته اند (شباهنگ، ۱۳۷۷). استراتژی، جهت گیری کلی سازمان به وضعیت مطلوب در

4 . The committee of Sponsoring Organization of the Treadway

سطح ذهنی و مفهومی بوده و تدوین آن یکی از وظایف خطیر مدیریتی است که مبنای تصمیم گیری های حیاتی مدیران برای حفظ و بقای سازمان و تعالی آن است. یکی از استراتژی های مهمی که در بنگاه های اقتصادی برای تداوم فعالیت های اقتصادی و دستیابی به اهداف تعیین شده، لازم است به کار گرفته شود، استراتژی تجاری است. استراتژی در واقع پاسخ مدیران ارشد به محدودیت و فرصت هایی است که با آن ها مواجهه می باشند (Miles & Snow 1978). بی شک جهت گیری و استراتژی منتخب سازمانی بر اطلاعات مالی شرکت تاثیرگذار است. در امور اقتصادی، استفاده کنندگان همواره برای تصمیم گیری و انجام تحلیل های خود به اطلاعات دقیق و قابل اتکا نیازمندند و طبیعتاً فقدان اطلاعات مناسب و مربوط، موجب اخلال در تصمیم گیری آنان می شود. از این رو ارقام و گزارش های مالی بخش مهمی از داده ها و اطلاعات مورد نیاز این فرآیند محسوب می شوند (خوش طینت، ۱۳۸۵). مایلز و اسنو به ۳ راهبرد تجاری برای شرکت ها در صنایع اشاره کرده اند که شامل استراتژی های اکتشافی (مکتشف)، تدافعی و تحلیلگر می باشند. در دو سر طیف، شرکت های پیشگام و مدافع قرار دارند (Miles & Snow, 2003) بنتلی و همکاران (۲۰۱۵) بیان می دارند دلیل اینکه شرکت های مکتشف نسبت به شرکت های تدافعی دارای ریسک کنترلی بالاتری می باشند، با تحریف بیشتری در گزارشگری مالی روبرو هستند (Bentley et. al, 2015). از طرفی دیگر آنها دریافته اند که درجه کیفیت کنترل داخلی، نقش تعدیل کننده ای در رابطه بین راهبرد تجاری و تحریفات با اهمیت در گزارشگری مالی ایفا می کند از این رو ممکن است مدیران و حسابرسان چنین شرکت هایی در شناسایی و گزارش ضعف های با اهمیت کنترل داخلی بیشتر با مشکل مواجه شوند چرا که محیط کنترلی اینگونه شرکت ها خاص و بی ثبات تر است. مطالعات گذشته نشان می دهد که استراتژی تجاری شرکت باید بعنوان مولفه اولیه در طراحی یک سیستم کنترل حسابداری در نظر گرفته شود تاکید بر استراتژی تجاری بعنوان عاملی مهم در افزایش قدرت کنترل داخلی گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری به دو دلیل است: ۱. بر اساس تئوری سازمانی قدرت و کیفیت کنترل داخلی گزارشگری مالی باید منطبق بر استراتژی تجاری آن واحد تجاری باشد. ۲. بر اساس مطالعات انجام شده و استانداردهای حرفه ای، استراتژی تجاری یک جز مهم در برنامه ریزی حسابداری و ارزیابی حسابرسان از کنترل های داخلی می باشد (Bentley et.al, 2017). ۳. حسابرس داخلی باید نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی اصلاح نشده را شناسایی نموده و توصیه ها و پیشنهادهایی را برای اصلاح آنها ارائه دهد، او همچنین باید نظر خود را در مورد آثار احتمالی این نقاط ضعف بر محیط کنترلی واحد تجاری به مدیریت ارائه نماید. از دیدگاه نظام راهبری شرکت ها، کنترل های داخلی به عنوان بخشی از سازمان، باید نسبت به انواع خطرهایی که سازمان با آن مواجه است

واکنشی نشان دهد که در بهبود (شفافیت) گزارشگری مالی و قابلیت اعتماد اطلاعات شرکت‌ها تاثیر گذار باشد. با توجه به آنچه بیان شد، هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه بین استراتژی تجاری و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

۲- مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

شرکت‌ها برای رقابت در صنایع مختلف از استراتژی‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. سه سطح مهم استراتژی در بیشتر سازمان‌های چند محصولی عبارت است از: ۱. استراتژی شرکت، ۲. استراتژی کارکردی (وظیفه‌ای) و ۳. استراتژی کسب و کار (تجاری) (Walker, 2003). استراتژی کسب و کار معمولاً در سطح محصولات یا واحد تجاری استراتژیک اجرا می‌شود و بر بهبود موقعیت رقابتی کالاها و خدمات شرکت در صنعتی خاص یا بخشی خاص از بازار تأکید دارد (Hunger et. al, 1992) مایلز و اسنو (Miles & Snow, 1978, 2003) ضمن تحقیق در مورد انواع سازمان‌های مختلف دریافتند که، سازمان‌ها به منظور کاهش تاثیر پذیری منفی از محیط و افزایش بهره‌مندی از فرصت‌ها، عمدتاً از یکی از چهار نوع استراتژی تطبیقی مدافعان^۵، مهاجمان یا پیشگامان یا آینده نگرها^۶، تحلیل گران^۷ و منفعلان^۸ استفاده می‌کنند. مدافعان و مهاجمان در دو سر طیف راهبردهای احتمالی جای می‌گیرند. تحلیلگران در جایی میان مدافعان و مهاجمان قرار می‌گیرند و بخشی از خصوصیت هر یک از آن دو گونه سازمان را به نمایش می‌گذارند. عبارتی تحلیلگران حالتی دو رگه را دارند. اما منفعلان با سایرین متفاوت‌اند. با وجود طبقه‌بندی‌های متفاوت از استراتژی، دلایل استفاده از دو نوع استراتژی تجاری مایلز و اسنو عبارتند از: ۱. از لحاظ ویژگی‌های سازمانی بیشتر قابل تشخیص بوده و در اکثر مطالعات مورد تاکید قرار گرفته (Simons, 1992; Fisher, 1995; Chenhall, 2003) و از طرفی دیگر برتری مدل مایلز و اسنو نسبت به مدل پورتر در تبیین استراتژی رقابتی برای سازمان‌های کوچک بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است (Rugman & Verbeke, 1988). شرکت‌های پیشگام عمدتاً از طریق نوآوری و ابتکار در محصول، به رقابت می‌پردازند، طیف وسیعی از محصولات را ارائه می‌دهند و بعنوان پیشگامان بازار و محصول محسوب می‌شوند. بازاریابی و تحقیق و توسعه از دستورالعمل‌های

⁵ Defenders

⁶ Prospectors

⁷ Analysers

⁸ Reactors

اصلی این شرکت‌ها محسوب می‌شوند. در سوی دیگر، شرکت‌های مدافع، در محیطی نسبتاً پایدار فعالیت می‌کنند و طیف محدودی از محصولات را ارائه می‌نمایند. آنان بر بهره‌وری متمرکز هستند و بنابراین، دستورالعمل‌های مهندسی و تولید را ترجیح می‌دهند (توکل‌نیا، ۱۳۹۲). نظریه پردازان استراتژیک معتقدند که سیستم‌های کنترلی شرکت‌ها بسته به استراتژی تجاری شرکت متفاوت است (Miller, 1978; Porter, 1980; Milles & Snow, 1978, 2003). واکنش سریع به تغییرات بازار، وجود هماهنگی پیچیده بین پروژه‌های مختلف و بهره‌برداری از فرصت‌های جدید در بازار، فاقد روش‌های ثابت و استاندارد بوده و از ساختار کنترلی غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر برخوردار می‌باشند. در مقابل شرکت‌های مدافع جهت تولید محصولات مقرون به صرفه و حداکثرسازی بهره‌وری از کنترل‌های نظارتی بیشتر استفاده نموده و دارای سیستم‌های کنترلی متمرکز و رسمی می‌باشند (Chenhall, 2006). شرکت‌های تهاجمی برخلاف شرکت‌های تدافعی که بر کنترل هزینه‌ها تمرکز دارند، بر خلاقیت و نوآوری تاکید داشته و به همین دلیل ایجاد مجموعه‌ای مناسب از کنترل‌های داخلی گزارشگری مالی برای آنان چالش برانگیزتر است (Simon, 1987). از اینرو شرکت‌های تهاجمی در مقایسه با شرکت‌های تدافعی ضعف‌های بااهمیت بیشتری در ارتباط با کنترل‌های داخلی را باید گزارش نمایند. مطالعات پیشین همچنین استدلال نموده‌اند، ویژگی‌های مانند پیچیدگی شرکت، رشد سریع و عملکرد مالی پایین که در ادبیات حسابداری مالی از ویژگی‌های شرکت‌های تهاجمی می‌باشد با احتمال وجود نقاط ضعف بااهمیت در کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی مرتبط می‌باشد (Kinney et. al, 2007; Doyle et. al, 2007; Ge et.al, 2005).

بخش مهمی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه حسابداری و مدیریت سازمانی رابطه بین سیستم‌های کنترل مدیریت و استراتژی را مورد بررسی قرار می‌دهند. سیستم‌های کنترل مدیریت شامل سیستم‌های مبتنی بر حسابداری برای برنامه‌ریزی، نظارت و عناصر کنترل استراتژیک و عملیاتی می‌باشند (Dent et. al, 1990). بر اساس مطالعات پیشین، عناصر سیستم‌های کنترل حسابداری، متمرکز بر استراتژی تجاری می‌باشد، با بررسی این حلقه ارتباطی و پژوهش‌های انجام شده می‌توان استراتژی تجاری را بعنوان یک جز مهم در طراحی سیستم کنترل حسابداری در نظر گرفت (Simons, 1987; Otley, 1980; Dermeer, 1977). تجاری و کنترل‌های داخلی وجود دارد: ۱- بر اساس آنچه بحث شد، در تئوری سازمانی احتمال وجود یک رابطه تئوریک بین استراتژی تجاری و کنترل‌های داخلی پیش‌بینی می‌شود. ۲- در بسیاری از موارد ویژگی‌های سطوح مختلف شرکت مانند رشد سریع، پیچیدگی و تغییرات سطح سود که از ویژگی‌های

شرکت‌های تهاجمی می‌باشند، بصورت تجربی با ضعف در کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی مرتبط هستند (Bentley, 2015). شرکت‌های تهاجمی از کنترل‌های غیرمتمرکز برای کمک به تسهیل عملیات متنوع و متعدد موجود در میان گروه‌های تولیدی با ساختارهای پیچیده بهره می‌گیرند. علاوه بر این، برای حفظ موقعیت رهبری بازار باید ساختار خود را با شرایط بازار تطبیق دهند. مطابق آنچه گفته شد، شرکت‌های تهاجمی در مقایسه با شرکت‌های تدافعی سیستم‌های کنترل داخلی گسترده‌تری داشته و به کنترل‌های پیچیده‌تری نیاز دارند که این کنترل‌ها بیش از آنکه مناسب سیستم‌های کنترلی گزارشگری اطلاعات مالی برای خارج از سازمان باشد در تصمیم‌گیری‌های داخلی موثر است (Miles, 2003; Snow & Bzrgkter, 1978). مانع در پژوهش‌های کیفی مربوط به کنترل‌های داخلی دانش محدود محققان حسابرسی از استراتژی تجاری و طراحی سازمان، فرآیندهای مدیریتی، ریسک و ارزیابی ریسک می‌باشد (Kinney, 2000). در اکثر موارد ویژگی‌های استراتژی تجاری با کارایی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی ارتباط دارد. بر این اساس تئوری رابطه‌ای قوی بین استراتژی تجاری و قدرت کنترل‌های داخلی پیش‌بینی می‌کنند، با این حال دلایل متعددی وجود دارد که مطالعات تجربی از این پیش‌بینی‌ها حمایت نکنند.

اول مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت و حسابداری مدیریت شواهد متفاوتی از ارتباط بین استراتژی تجاری و کنترل‌های داخلی ارائه می‌دهند (Simons, 1978; Dent, 1990; Jokipi et al, 2009). دوم رابطه برخی ویژگی‌های استراتژی تجاری همچون رشد و پیچیدگی‌های خاص و تاثیر نوع استراتژی تجاری و نقاط ضعف با اهمیت بعنوان یکی از عوامل مهم در کارایی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی مورد توجه قرار نگرفته است (Ge et al, 2005; Doyle et al, 2007). بر این اساس و بر مبنای سوالات و مبانی نظری ارائه شده، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: استراتژی تجاری شرکت با گزارش نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی گزارشگری مالی شرکت ارتباط دارد.

اصلاح نواقص و کمبودهای کنترل‌های داخلی می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشد و به بازگرداندن اعتماد به سرمایه‌گذاران کمک نماید (Bentley, 2017). هیأت مدیره و کمیته حسابرسی عهده‌دار وظایف مباشرت و نظارت بر کنترل‌های داخلی شرکت هستند و در اصلاح نقاط ضعف با اهمیت نقش نظارتی مهمی را ایفا می‌نمایند (Johnstone, 2011). با این وجود، مدیریت ممکن است نقاط ضعف با اهمیت کنترل‌های داخلی را بر اساس دیدگاه منفعت - هزینه مورد اصلاح قرار ندهد زیرا این

تلاش‌ها توجه و منابع را از امور تجاری اصلی منحرف می‌نماید (Goh, 2009). علاوه بر این از آنجایی که بورس اوراق بهادار برای عدم اصلاح نقاط ضعف با اهمیت مجازاتی در نظر نگرفته است، انتظار می‌رود با فشار مسئولان دولتی برای اصلاح نقاط ضعف با اهمیت، شرکت‌ها اقداماتی اصلاحی انجام دهند (Hammersley, 2012). مطالعات پیشین نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که کمتر به دنبال بهبود نقاط ضعف با اهمیت می‌باشند شرکت‌هایی می‌باشند که تعداد زیادی از نواقص و کمبودها را گزارش می‌نمایند و یا دارای سودآوری پایین و عملیات پیچیده می‌باشند که این از ویژگی‌های شرکت‌های تهاجمی می‌باشند (Bentley, 2017). تجربه نشان داده که شرکت‌های تهاجمی در اصلاح و رفع نقاط ضعف با اهمیت با مشکلات بیشتری روبرو می‌باشند (Doyle, 2007). از آنجایی در شرکت‌های تهاجمی نیاز به تغییر در سیستم‌های کنترلی بیشتر احساس می‌شود، مدیریت کمتر احتمال دارد که دست به اصلاح فرآیندهای کنترل‌ها داخلی و یا فسخ فرآیندهای قدیمی بزند در مجموع انتظار بر این است که مدیران تهاجمی برای مقابله با نواقص کنترل‌های داخلی با مشکلات بیشتری روبرو بوده بنابراین انگیزه کمتری برای مقابله با این نواقص داشته باشند. بنابراین در جهت بررسی ساز و کارهای نظری ارائه شده، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه دوم: استراتژی تجاری شرکت با اصلاح و رفع نقاط ضعف با اهمیت گزارش شده کنترل داخلی گزارشگری مالی ارتباط دارد.

۳-پیشینه پژوهش

مشکی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین استراتژی راهبری هزینه، رقابت بازار و مدیریت سود واقعی پرداختند. نتایج نشان داد شرکت‌هایی که از استراتژی راهبری هزینه تبعیت می‌کنند گرایش به اعمال سطح بالاتری از مدیریت سود واقعی دارد و این گرایش به واسطه افزایش سطح رقابت، می‌تواند تشدید شود. توانگر و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی ارتباط بین قدرت مدیر عامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی نشان دادند که از بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی؛ تخصص مالی اعضا و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت کنترل داخلی رابطه معنا دار دارد و ویژگی استقلال با متغیر وابسته رابطه معنا دار نداشته است. همچنین نتایج نشان داد که قدرت مدیرعامل تنها تأثیر تعدیل کننده بر ارتباط بین اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی دارد. فخاری و کبیری (۱۳۹۷) به بررسی ارتباط افشای ضعف کنترل داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی با تأکید بر اثر تعدیل کنندگی گزارش حسابرسی به روش تحلیل ترکیبی داده‌ها پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بین گزارش

افشا ضعف کنترل داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین گزارش حسابرسی نقش تعدیل کننده‌ای بر ارتباط این دو دارد. رضوی عراقی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر ضعف های عمده کنترل داخلی بر ناکارایی سرمایه گذاری پرداختند. نتایج پژوهش مبین این بود که وجود ضعف‌های عمده در کنترل‌های داخلی منجر به ایجاد ناکارایی سرمایه گذاری در شرکت‌ها می‌گردد و در نهایت ضرورت پیاده سازی کنترل‌های داخلی موثر در سازمان توسط مدیران، بیش از پیش خود را نمایان می‌سازد. نمازی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان خود شیفتگی مدیران و استراتژی تجاری شرکت‌ها بیان نمود که در بین گروه‌های دارای استراتژی تجاری مختلف خود شیفتگی مدیران اختلاف معناداری با یکدیگر دارند و با افزایش خود شیفتگی در بین مدیران، انتظار بر این است که تمایل آنان به انتخاب استراتژی‌های تهاجمی و جسورانه افزایش یابد. حاجیها و حسین نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر افشای ضعف کنترل‌های داخلی پرداخت. تجزیه و تحلیل رگرسیون ترکیبی نشان داد بین لگاریتم قیمت سهام در تعداد سهام، نسبت موجودی کالا به کل دارایی‌ها و زیان با نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و تسعیر نرخ ارز، رشد درآمد، ارزش بازار بر ارزش دفتری، نمره Z آلتمن و جمع کل بدهی بر دارایی رابطه ای با نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی ندارد. تنانی و محب خواه (۱۳۹۳) با بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام نشان داد که میزان مدیریت سود در شرکت‌های تدافعی نسبت به شرکت‌های تهاجمی بیشتر است. همچنین نتایج بیانگر آن است که محیط اقتصادی بر رابطه بین راهبردهای تجاری شرکت و کیفیت سود آن موثر می‌باشد. در خصوص بازنگری ادبیات پژوهش در ایران یافته‌ها نشان می‌دهد که بعد از تصویب دستورالعمل کنترل داخلی در ۱۳۹۱ مطالعه در خصوص کنترل‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته است، پیامد عمده این تحولات این است که کنترل داخلی مناسب موجب ارزشمندی اطلاعات و بهبود گزارش‌های مالی می‌شود. با توجه به اینکه در پژوهش‌های انجام شده در بورس اوراق بهادار تهران جایگاه استراتژی تجاری مورد بررسی و تاکید قرار گرفته است، به همین دلیل پژوهش حاضر با بررسی ارتباط استراتژی تجاری بکار گرفته شده توسط واحد تجاری و کنترل‌های داخلی، سعی در توضیح این نقش تعاملی دارد.

تنو چینگ وانگ و همکاران (2015) در تحقیق خود نشان دادند که گزارش ضعف کنترل‌های داخلی توانسته بر دقت اطلاعات عمومی ارائه شده توسط شرکت‌ها موثر باشد. اگرچه آنها در گزارش خود در مورد تاثیر این گزارش‌ها بر اطلاعات خصوصی شرکت‌ها به نتیجه‌ای نرسیدند. هاگیتز و

همکاران (Higgins, et al., 2015)، در مقاله خود تحت عنوان "آیا استراتژی تجاری شرکت سطح اجتناب مالیاتی را تحت تاثیر قرار می دهد؟" تاثیر نوع استراتژی سازمان را بر اجتناب مالیاتی شرکت ها مورد بررسی قرار دادند نتایج پژوهش آنان نشان دهنده این بود که شرکت ها دارای استراتژی آینده نگر نسبت به شرکت های دارای استراتژی تدافعی و تحلیل گر، اجتناب مالیاتی بیشتری دارند. جی و همکاران (Ge, et al., 2014) در پژوهشی تحت عنوان عوامل تعیین کننده و پیامد های اقتصادی افشا داوطلبانه ضعف کنترل های داخلی در چین به این نتیجه رسیدند که شدت ضعف کنترل های داخلی افشا شده به طور منفی و قابل چشمگیری با ضریب پاسخگویی سود مرتبط است. بنتلی و همکاران (Bentley, 2012)، در پژوهشی به بررسی رابطه استراتژی تجاری و کیفیت سود بیان پرداخته اند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که شرکت هایی با استراتژی تدافعی با سطوح بالایی از مدیریت سود و شرکت هایی با استراتژی آینده نگر با سطوح بالایی از محافظه کاری مرتبط هستند. کینی و شپاردسون (Kinney & Shepardson, 2011)، به بررسی اینکه آیا کنترل های داخلی موثر نیاز به حسابرسی دارند یا خیر؟ نتایج نشان می دهد که الزامات گزارش مدیران در مورد اثر بخشی کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، می تواند برای بهبود گزارشگری مالی موثر باشد.

۴- روش شناسی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی، از نظر فرایند اجرا از نوع کمی، از نوع بعد زمانی از نوع پژوهش های گذشته نگر و پس رویدادی است. برای آزمون فرضیه های پژوهش، از تحلیل رگرسیون با داده های ترکیبی استفاده شده است. داده های استفاده شده در این پژوهش به روش کتابخانه ای از بانک اطلاعاتی ره آورد نوین و سایت های بورس اوراق بهادار گردآوری شده و برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه های پژوهش از نرم افزار ایویوز استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

قلمرو مکانی پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی آن سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ می باشد. بدین منظور آن دسته از شرکت های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف می شوند: سال مالی شرکت منتهی

به تاریخ پایان اسفند ماه هر سال باشد و شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند؛ شرکتهای تحت بررسی جزء شرکتهای سرمایه گذاری، هلدینگ، واسطه گری مالی و بیمه نباشند؛ اطلاعات و داده های آنها در دسترس باشد؛ معاملات سهام شرکت به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد. با توجه به شرایط و محدودیت های فوق، از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۳۵ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است.

۵- مدل های پژوهش و نحوه آزمون فرضیه ها

هدف از آزمون فرضیه اول پژوهش، بررسی رابطه مابین استراتژی تجاری و وجود ضعف در کنترل های داخلی است؛ از اینرو برای آزمون فرضیه اول مطابق با پژوهش بنتلی و همکاران (2017) از مدل (۱) به شرح زیر استفاده شده است.

$$MW_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 STRATEGY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 BANKRUPTCY_{it} + \beta_5 RESTAT_{it} + \beta_6 BIGN_{it} + \beta_7 EXE-TURN_{it} + \beta_8 BOD-TURN_{it} + \beta_9 INST-OWN_{it} + \sum_{i=1389}^{n=1395} Year + \sum_{j=1}^{m=20} Industry + \epsilon_{it}$$

در مدل فوق، MV ضعف کنترل داخلی، STRATEGY استراتژی تجاری، SIZE اندازه شرکت، AGE سن شرکت، BANKRUPTCY ورشکستگی، RESTAT تجدید ارائه صورت های مالی، BIGN اندازه حسابرس، EXE-TURN دوره تصدی مدیر عامل، BOD-TURN دوره تصدی هیات مدیره، INST-OWN مالکیت نهادی، YEAR اثرات ثابت سال، INDUSTRY اثرات ثابت صنعت.

هدف از آزمون فرضیه دوم بررسی رابطه مابین استراتژی تجاری و رفع و اصلاح ضعف های موجود در کنترل های داخلی است؛ از اینرو برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۲) به شرح زیر استفاده شده است.

$$REMEDIA TE_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 STRATEGY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 BANKRUPTCY_{it} + \beta_5 RESTAT_{it} + \beta_6 BIGN_{it} + \beta_7 EXEC_TURN_{it} + \beta_8 BOD_TURN_{it} + \beta_9 INST_OWN_{it} + \sum_{i=1389}^{n=1395} Year + \sum_{j=1}^{m=20} Industry + \epsilon_{it}$$

در مدل فوق REMEDIATE اصلاح ضعف در کنترل های داخلی است و سایر متغیرها مشابه با مدل قبلی است.

۶- نحوه اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

ضعف کنترل داخلی: برای سنجش ضعف در کنترل داخلی به عنوان متغیر وابسته از نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی استفاده می گردد، که از گزارش حسابرسان مستقل به دست می آید. هیات مدیره شرکت در فرآیند ارزیابی و اثر بخش کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی از معیارهای ذکر شده در فصل دوم دستورالعمل کنترل داخلی مصوب سازمان بورس اوراق بهادار استفاده می نمایند. طبق چک لیست کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی مصوب سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ به بعد حسابرس شرکت مکلف شده است کنترل های داخلی شرکت را مورد بررسی قرار داده و مواردی که حاکی از عدم رعایت یا عدم اجرای مطلوب کنترل های داخلی می باشد را در گزارش حسابرسی افشا کند؛ از این رو، مشابه با پژوهش بنتلی و همکاران (۲۰۱۷)، اگر شرکت حداقل یک ضعف در سیستم کنترل های داخلی داشته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود.

اصلاح ضعف کنترل داخلی: برای آزمون فرضیه دوم، بررسی ارتباط استراتژی تجاری شرکت در خصوص اصلاح نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی، در صورتی که گزارش حسابرس شرکت در خصوص کنترل های داخلی در سال t و $t+1$ یکسان باشد به معنای عدم اصلاح نقاط ضعف بوده و عدد صفر به آن اختصاص می یابد و در صورتی که در این گزارش نقاط وضعی گزارش نشود و یا نوع نقاط ضعف گزارش شده با موارد قبلی متفاوت باشد عدد ۱ به آن اختصاص می یابد.

متغیر مستقل

استراتژی تجاری: در این تحقیق استراتژی تجاری شرکت بعنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می شود. برای طبقه بندی شرکت ها به گروه های استراتژی از معیاری تحت عنوان " استراتژی " استفاده می شود. این معیار نمره ای را ارائه می دهد که دربرگیرنده محتمل ترین استراتژی تجاری است که توسط شرکت های نمونه تایید شده است. برای ایجاد نمره استراتژی از ۶ پارامتر ارائه شده در تحقیقات قبلی

⁹ Internal control weakness

¹⁰ Internal control weakness

¹¹ Business strategy

مایلز و اسنو، ۱۹۷۸)؛ (بنتلی و همکاران، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷)؛ (هاگینز و همکاران، ۲۰۱۵) و (نمازی و همکاران، ۱۳۹۵) به شرح جدول ۱ استفاده شده است.

جدول (۱): معیارهای اندازه گیری استراتژی تجاری شرکت

ردیف	شرح
۱	نسبت هزینه تحقیق و توسعه به فروش کل
۲	درصد تغییر یک ساله در فروش کل
۳	نسبت هزینه عمومی، اداری و فروش به فروش کل
۴	نسبت تعداد کارکنان به فروش کل
۵	انحراف معیار تعداد کارکنان در سال
۶	شدت سرمایه (خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات استاندارد شده به وسیله جمع دارایی های پایان سال)

منبع: نمازی و همکاران، ۱۳۹۵

از امتیازهای حاصله از ۶ معیار مذکور برای تشخیص نوع استراتژی استفاده خواهد شد. حداکثر نمره استراتژی که هر شرکت می تواند کسب نماید ۳۰ و حداقل نمره استراتژی یک شرکت ۵ است. بر این اساس شرکت هایی با امتیاز بالاتر از ۱۸ دارای استراتژی تهاجمی بوده و عدد ۱ و در غیر این صورت دارای استراتژی تدافعی بوده و عدد صفر اختصاص خواهد یافت.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت ($LnMVE_{it}$): برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.
 سن شرکت (AGE_{it}): تعداد سال های انجام فعالیت تجاری از بدو تاسیس تا پایان دوره تحقیق حاضر.
 ورشکستگی^{۱۲} ($BANKRUPTCY_{it}$): برای محاسبه احتمال ورشکستگی این متغیر از مدل بومی شده کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳) استفاده می شود، در این مدل اگر مقدار بدست آمده برای شرکتی کوچکتر از ۰/۵ باشد احتمال ورشکستگی خیلی زیاد (عدد ۱)، و در صورتی که بزرگتر از ۰/۳- باشد احتمال ورشکستگی خیلی ضعیف (عدد ۰) می باشد.

$$MDV_{it} = 0/626(RE_{it}) + 0/137(EBIT_{it}) + 0/679(P_{it}) - 0/583(L_{it})$$

¹² Bankruptcy

که در مدل فوق، RE_{it} : نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها؛ $EBIT_{it}$: نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها؛ P_{it} : نسبت سود (زیان) خالص به کل دارایی‌ها؛ L_{it} : نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها است.

اندازه حسابرس (BIG_{it}): برابر با یک اگر حسابرس مستقل انتخاب شده برای حسابرسی صورت‌های مالی شرکت، از نوع دولتی (سازمان حسابرسی) باشد و در غیر اینصورت عدد صفر را می‌گیرد. دوره تصدی مدیر عامل ($EXEC_TURN_{it}$): برابر با یک اگر مدیر عامل شرکت تغییر کند و در غیر اینصورت عدد صفر را می‌گیرد.

دوره تصدی هیات مدیره (BOD_TURN_{it}): برابر با یک اگر هیات مدیره شرکت تغییر کند و در غیر اینصورت عدد صفر به آن اختصاص می‌یابد.

مالکیت نهادی ($INST_OWN_{it}$): درصد سهام متعلق به سهامداران نهادی، مطابق با تعریف؛ صندوق‌های تعاونی، صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌ها، موسسات بیمه و تامین اجتماعی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر نهادهایی که مالکیت سهام سایر شرکت‌ها را در اختیار دارند، مالکان نهادی نامیده می‌شوند. سهامداران نهادی از طریق تقسیم درصد سهام شرکت که توسط نهادی‌های سرمایه‌گذاری نگهداری می‌شود) به کل سهام منتشره به دست می‌آید.

اثرات ثابت سال ($YEAR_{it}$): نشان دهنده متغیر مجازی در نظر گرفته شده برای کنترل تاثیر سال می‌باشد. برای سال مورد نظر ۱ و برای سایرین صفر تعریف می‌شود.

اثرات ثابت صنعت ($INDUSTRY_{it}$): نشان دهنده متغیر مجازی در نظر گرفته شده برای کنترل تاثیر صنایع می‌باشد. برای صنعت مورد نظر ۱ و برای سایرین صفر تعریف می‌شود.

۷- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در جدول (۲)، خلاصه آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل جهت تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها ارائه شده است. بر اساس این نتایج استراتژی تجاری برای ۵۷/۶۹٪ از شرکت‌های مورد بررسی تهاجمی و ۴۲/۳۱٪ از شرکت‌ها تدافعی می‌باشد. با توجه به پدل ب نتایج نشان می‌دهد که ۵۰/۹۳٪ شرکت‌ها دارای ضعف کنترل داخلی هستند و ۶۷/۷٪ از شرکت‌هایی که دارای ضعف کنترل داخلی بودند در سال آتی نسبت به رفع و اصلاح ضعف کنترل داخلی اقدام نموده‌اند. ۱۵/۴۶٪ از شرکت‌ها مطابق با مدل کردستانی دارای احتمال ورشکستگی بالا و ۸۴/۵۴٪ دارای احتمال ورشکستگی ضعیف می‌باشند. صورت‌های مالی

۶۱/۶۳٪ از کل شرکت‌ها در مورد نظر تجدیدارائه قرار گرفته است. همچنین با توجه به درصد فراوانی اندازه حسابرس، به طور میانگین حسابرسی ۲۸/۰۶ شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی انجام گرفته است. همچنین در دوره مورد بررسی ۱۶/۲۰٪ از شرکت‌ها تغییر در مدیر عامل و ۱۸/۳۳٪ از شرکت‌ها تغییر در ترکیب اعضای هیات مدیره داشتند. همچنین میانگین متغیر مالکیت سهامداران نهادی تقریباً ۵۳٪ است که نشان دهنده این امر است که میزان مالکیت سهامداران نهادی در طی دوره زمانی ۸ ساله به طور میانگین ۵۳٪ بوده است. در نمونه مورد بررسی اندازه بزرگترین شرکت ۱۹/۳۵ و کوچکترین آنها ۱۰/۰۳ با میانگین ۱۴/۰۵ با در نظر طریق لگاریتم طبیعی دارایی‌ها می‌باشد. عمر شرکت‌های مورد بررسی با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های تاسیس شرکت، حداکثر دارای ۴/۴۸ سال و حداقل ۲/۴۸ سال و میانگین عمر ۳/۵۶ سال می‌باشد.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل الف: متغیرهای پیوسته						
نام متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اندازه شرکت	۱۰۸۰	۱۴/۰۵۹	۱۳/۶۶۴	۱۹/۳۹۵	۱۰/۰۳۱	۱/۴۸۴
عمر شرکت	۱۰۸۰	۳/۵۶۹	۳/۶۶۴	۴/۴۸۹	۲/۴۸۵	۰/۳۶۹
مالکیت سهامداران نهادی	۱۰۸۰	۰/۵۳۵	۰/۵۶۴	۰/۹۸۶	۰	۰/۲۲۹
پنل ب: متغیرهای دو ارزشی						
نام متغیر	نوع طبقه	فراوانی	درصد			
ضعف کنترل داخلی	۱	۵۵۰	۵۰/۹۳٪			
	۰	۵۳۰	۴۹/۰۷٪			
اصلاح ضعف کنترل داخلی	۱	۷۳۲	۶۷/۷۸٪			
	۰	۳۴۸	۳۲/۲۲٪			
استراتژی تجاری	۱	۶۲۳	۵۷/۶۹٪			
	۰	۴۵۷	۴۲/۳۱٪			
احتمال ورشکستگی	۱	۱۶۷	۱۵/۴۶٪			
	۰	۹۱۳	۸۴/۵۴٪			
تجدید ارائه صورت های مالی	۱	۶۸۷	۶۳/۶۱٪			
	۰	۳۹۳	۳۶/۳۹٪			
اندازه موسسه حسابرسی	۱	۳۰۳	۲۸/۰۶٪			
	۰	۷۷۷	۷۱/۹۴٪			
تغییر مدیر عامل	۱	۱۷۵	۱۶/۲۰٪			
	۰	۹۰۵	۸۳/۸۰٪			
تغییر اعضای هیأت مدیره	۱	۱۹۸	۱۸/۳۳٪			
	۰	۸۸۲	۸۱/۶۷٪			

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۵) بهره گرفته شده است. آماره R2 مک فادن که مقدار آن بین صفر و یک تغییر می کند در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر معناداری کلی مدل پژوهش است. هر چه این شاخص به یک نزدیکتر باشد، میزان تطابق مدل با واقعیت بیشتر و به عبارتی نیکویی برازش بیشتر است. نتایج مربوط به ضریب تعیین مک فادن نشان می دهد، که تقریباً ۸۸/۳۶٪ تغییرات متغیر وابسته (ضعف کنترل داخلی) به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره Z در سطح اطمینان ۹۵٪، اندازه شرکت، عمر شرکت و اندازه موسسه حسابرسی با ضعف کنترل داخلی ارتباط منفی و معناداری دارند در حالی که، احتمال ورشکستگی و تغییر مدیر عامل با ضعف کنترل داخلی ارتباط مثبت و معناداری دارند. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر استراتژی تجاری شرکت، ۰/۴۷۰۳۰۵ بوده که نشان دهنده رابطه مثبت بین استراتژی تجاری شرکت و ضعف کنترل داخلی می باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪، با توجه به آماره Z ضریب متغیر استراتژی تجاری شرکت، در مدل معنادار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه اول را تأیید تلقی شده نمود. این امر به این معنی است نوع استراتژی تجاری شرکت با گزارش نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی گزارشگری مالی توسط شرکت ارتباط مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، در شرکت های دارای استراتژی تجاری تهاجمی بر خلاف شرکت های تدافعی به دلیل برخورداری از ساختار کنترلی غیرمتمرکز و انعطاف پذیر در جهت واکنش سریع به تغییرات بازار، احتمال وجود ضعف در کنترل های داخلی گزارشگری مالی افزایش می یابد.

جدول (۵): نتایج حاصل از تخمین مدل اول تحقیق

$$MW_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 STRATEGY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 BANKRUPTCY_{it} + \beta_5 RESTAT_{it} + \beta_6 BIGN_{it} + \beta_7 EXEC_TURN_{it} + \beta_8 BOD_TURN_{it} + \beta_9 INST_OWN_{it} + \sum_{i=1389}^{1395} Year + \sum_{j=1}^{m=20} Industry + \varepsilon_{it}$$

متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	۱/۱۴۱۵۸۰	۱/۸۳۱۵۸۱	۰/۶۲۳۲۷۶	۰/۵۳۳۱	NA
استراتژی تجاری	۰/۴۷۰۳۰۵	۰/۱۹۳۲۴۰	۲/۴۳۳۷۸۹	۰/۰۱۵۳	۱/۰۲۹۷۲۶
اندازه شرکت	-۰/۱۶۸۴۳۷	۰/۰۶۷۰۰۵	-۲/۵۱۳۷۸۰	۰/۰۱۲۳	۱/۲۹۸۳۱۵
عمر شرکت	-۰/۲۸۱۱۵۵	۰/۰۹۹۲۳۵	-۲/۹۰۳۷۶۱	۰/۰۰۳۹	۱/۱۷۴۵۵۲
احتمال ورشکستگی	۰/۴۸۷۷۵۶	۰/۱۹۷۸۳۰	۲/۴۶۵۵۳۲	۰/۰۱۴۱	۱/۱۱۶۰۰۹
تجدید ارائه صورت های مالی	۰/۲۰۸۳۰۱	۰/۱۹۷۱۷۸	۱/۰۵۶۴۱۳	۰/۲۹۰۸	۱/۴۲۰۱۶۰
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۹۱۵۳۹۵	۰/۱۹۷۳۲۷	-۴/۶۳۸۹۶۵	۰/۰۰۰۰	۱/۲۲۹۳۲۳
تغییر مدیر عامل	۰/۳۹۷۴۱۵	۰/۱۰۵۴۰۹	۳/۷۰۲۲۳	۰/۰۰۰۲	۱/۲۰۴۷۳۳
تغییر اعضای هیأت مدیره	۰/۱۲۵۸۷۹	۰/۲۰۴۵۰۶	۰/۶۱۵۵۲۹	۰/۵۳۸۲	۱/۲۲۲۰۳۳
مالکیت سهامداران نهادی	-۰/۷۰۴۹۲۶	۰/۳۸۵۲۴۰	-۱/۸۲۹۸۳۸	۰/۰۶۷۳	۱/۱۸۴۸۱۵
متغیرهای ساختگی سال			در نظر گرفته شده است		
متغیرهای ساختگی صنعت			در نظر گرفته شده است		
ضریب تعیین مک فادن			۳۶/۸۸٪		
آماره LR			۵۵۱/۹۸۵		
سطح معناداری (آماره LR)			۰/۰۰۰۰		

منبع: یافته های پژوهشگر

به منظور آزمون فرضیه دوم از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۶) بهره گرفته شده است. مقدار آماره نسبت راستنمایی (LR) در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر معناداری کلی مدل پژوهش است. نتایج مربوط به ضریب تعیین مک فادن نشان می دهد، که تقریباً ۲۲/۸۵٪ تغییرات متغیر وابسته (اصلاح ضعف کنترل داخلی) به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره z در سطح اطمینان ۹۵٪، اندازه شرکت، عمر شرکت و اندازه موسسه حسابرسی با اصلاح ضعف کنترل داخلی ارتباط مثبت و معناداری دارند در حالی که، تجدید ارائه صورت های مالی و تغییر مدیر عامل با اصلاح ضعف کنترل داخلی ارتباط منفی و معناداری دارند. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر استراتژی تجاری شرکت، ۱۳۱/۵۵۵۱۰- بوده که نشان دهنده رابطه منفی بین استراتژی تجاری شرکت و اصلاح ضعف کنترل داخلی می باشد که در

سطح اطمینان ۰/۹۵؛ با توجه به آماره z ضریب متغیر استراتژی تجاری شرکت، در مدل معنادار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیه دوم را تأیید تلقی شده نمود. این امر به این معنی است استراتژی تجاری شرکت با اصلاح و رفع نقاط ضعف با اهمیت گزارش شده کنترل داخلی گزارشگری مالی ارتباط منفی و معناداری دارد. به عبارت دیگر، در شرکت های دارای استراتژی تجاری تهاجمی، احتمال اصلاح و رفع نقاط ضعف با اهمیت گزارش شده کنترل داخلی گزارشگری مالی پایین است. در واقع نتایج فرضیه دوم با نتایج فرضیه اول مبنی بر گزارش ضعف کنترل های داخلی در شرکت های تهاجمی نسبت به شرکت های تدافعی مطابقت دارد.

جدول (۶): نتایج حاصل از تخمین مدل دوم تحقیق

$REMEDIAE_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 STRATEGY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 BANKRUPTCY_{it} + \beta_5 RESTAT_{it} + \beta_6 BIGN_{it} + \beta_7 EXEC_TURN_{it} + \beta_8 BOD_TURN_{it} + \beta_9 INST_OWN_{it} + \sum_{i=1389}^{1395} Year + \sum_{j=1}^{m=20} Industry + \varepsilon_{it}$					
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	۱/۵۵۹۶۵۷	۱/۱۷۷۴۸۹	۱/۳۲۴۵۶۲	۰/۱۸۵۳	NA
استراتژی تجاری	-۰/۵۵۵۱۳۱	۰/۱۶۹۵۹۸	-۳/۲۷۳۲۲۲	۰/۰۰۱۱	۱/۰۲۹۷۲۶
اندازه شرکت	۰/۱۷۶۰۱۵	۰/۰۸۳۴۲۳	۲/۱۰۹۹۲۳	۰/۰۳۵۴	۱/۲۹۸۳۱۵
عمر شرکت	۰/۳۰۶۴۸۸	۰/۰۸۴۲۵۸	۳/۶۳۷۵۰۸	۰/۰۰۰۳	۱/۱۷۴۵۵۲
احتمال ورشکستگی	-۰/۱۲۱۵۳۷	۰/۲۲۶۲۵۱	-۰/۵۳۷۱۷۸	۰/۵۹۱۱	۱/۱۱۶۰۰۹
تجدید ارائه صورت های مالی	-۱/۰۸۶۳۶۵	۰/۱۶۶۱۲۳	-۶/۵۳۹۵۰۹	۰/۰۰۰۰	۱/۴۲۰۱۶۰
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۹۵۰۲۳۱	۰/۲۰۹۲۳۰	۴/۵۴۱۵۵۶	۰/۰۰۰۰	۱/۲۲۹۳۲۳
تغییر مدیر عامل	-۰/۶۷۰۱۵۷	۰/۲۱۵۱۰۴	-۳/۱۱۵۴۹۶	۰/۰۰۲۰	۱/۲۰۶۷۲۳
تغییر اعضای هیأت مدیره	-۰/۲۲۱۲۹۳	۰/۲۲۱۷۳۵	-۰/۹۹۸۰۰۶	۰/۳۱۸۳	۱/۲۲۲۰۳۳
مالکیت سهامداران نهادی	۰/۰۶۸۶۷۱	۰/۳۶۰۹۹۵	۰/۱۹۰۲۲۷	۰/۸۴۹۱	۱/۱۸۴۸۱۵
متغیرهای ساختگی سال	در نظر گرفته شده است				
متغیرهای ساختگی صنعت	در نظر گرفته شده است				
ضریب تعیین مک فادن	۲۲/۸۵٪				
آماره LR	۳۱۰/۱۵۹				
سطح معناداری (آماره LR)	۰/۰۰۰۰				

منبع: یافته های پژوهشک

۸- بحث و نتیجه گیری

این مطالعه، با ایجاد حلقه ارتباطی میان تئوری سازمانی و گزارشگری مالی به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا استراتژی تجاری شرکت‌ها با کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی ارتباط دارد یا خیر؟ نتایج حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه‌های پژوهش نشان دهنده این است نوع استراتژی تجاری شرکت‌ها (استراتژی تدافعی و تهاجمی) با وجود ضعف در کنترل‌های داخلی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش بنتلی و همکاران (Bentley, et al., 2017, 2015, 2013) و کینی و شپاردسون (Kinney, et al., 2011) در خصوص موثر بودن الزام گزارش کنترل داخلی بر بهبود گزارشگری مالی سازگاری دارد. از طرف دیگر بصورت غیر مستقیم با نتایج یافته‌های جی و همکاران (Ge, et al., 2014) در خصوص وجود رابطه منفی و چشمگیر مابین ضعف در کنترل داخلی و ضریب پاسخگویی سازگاری دارد. همچنین با نتایج بدست آمده مشکی و همکاران (۱۳۹۷) در ارتباط با اعمال سطح بالاتری از مدیریت سود واقعی در شرکت‌هایی که از استراتژی راهبری هزینه تبعیت می‌نمایند، تنانی و محب خواه (۱۳۹۳) بالا بودن میزان مدیریت سود در شرکت‌های تدافعی نسبت به شرکت‌های تهاجمی مخالف می‌باشد. افزون بر این، نتایج حاصل از بررسی رابطه بین نوع استراتژی شرکت و اصلاح ضعف‌های کنترل‌های داخلی بیانگر آن است که بین هر دو نوع استراتژی مورد بررسی در این پژوهش (تدافعی و تهاجمی) و اصلاح ضعف کنترل داخلی در سال‌های آتی ارتباط معناداری وجود دارد. این رابطه در مورد استراتژی تهاجمی منفی و معنادار و در رابطه با استراتژی تدافعی، مثبت و معنی دار است. در این راستا می‌توان بیان نمود که با توجه به ساختار موجود در شرکت‌های تهاجمی مدیران انگیزه کمتری جهت اصلاح و رفع ضعف‌های بااهمیت کنترل داخلی دارند. نتایج این پژوهش تا حدودی با نتیجه پژوهش بنتلی و همکاران (Bentley, et al., 2013, 1015) همسو می‌باشد. آن‌ها دریافته‌اند که شرکت‌های تهاجمی به خاطر مزیت‌هایی از قبیل فرصت‌های رشد و انگیزه‌های سرمایه‌ای نقاط ضعف بیشتری در کنترل‌های داخلی داشته و بیشتر درگیر تخلفات گزارشگری مالی می‌باشند. با توجه به جدید بودن موضوع، پژوهشی که مستقیماً در ارتباط با موضوع تحقیق باشد وجود نداشته و این انطباق بصورت غیر مستقیم صورت گرفته است. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این مورد اشاره نمود: بر اساس تئوری سازمانی، استراتژی تجاری شرکت‌ها در اوایل چرخه عمر

شرکت و با تعهد مدیران جهت دستیابی به اهداف خاص انتخاب شده و در طول زمان ثابت باقی می‌ماند. از این رو نمی‌توان انتخاب استراتژی خاص توسط شرکت‌ها را کنترل نمود. شرکت‌ها برای موفقیت باید پس از انتخاب استراتژی‌های مختلف، اهداف استراتژیک خود را با سطوح عملکرد شرکت (مانند نوآوری، مهندسی و اداری) مطابقت دهند. این پژوهش از چندین جنبه حائز اهمیت است: با پیوند تئوری سازمانی به ادبیات حسابداری، به ارائه چارچوبی برای درک عوامل موثر در نقاط ضعف گزارش شده پرداخته و نشان می‌دهد که تفاوت در استراتژی تجاری بعنوان عاملی مهم و تعیین کننده در سیستم‌های کنترلی شرکت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. از طرفی دیگر نتایج این پژوهش می‌تواند در ارزیابی سهامداران از قدرت کنترل‌های داخلی شرکت‌ها، برنامه‌ریزی و حسابرسی صورت‌های مالی مفید واقع شود. همچنین می‌تواند مورد تاکید سیاست گذاران بورسی جهت لزوم تهیه گزارش کنترل داخلی و حسابرسی آنها واقع شود.

منابع و مآخذ

۱. امجدیان، فریدون. عشقی، محمد. (۱۳۹۵). ارزیابی کنترل های داخلی حاکم بر فرآیندهای کسب و کار بارویکرد بکارگیری چارچوب کنترل های داخلی یکپارچه. حسابدار. شماره ۲۹۹، ۳۱-۲۳.
۲. بذرافشان، آمنه. حجازی، رضوان و رحمانی، علی. (۱۳۹۴). رویداد کاوی الزامات کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی با تاکید بر نقش کمیته حسابرسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۴(۱۶)، ۴۵-۵۶.
۳. تنانی، محسن. محب خواه، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. پژوهش های تجربی حسابداری. ۴(۱۳)، ۱۰۵-۱۲۷.
۴. توانگر حمزه کلایی، افسانه. اسکافی اصل، مهدی. (۱۳۹۷). ارتباط بین قدرت مدیر عامل، ویژگی های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۰(۳۸)، ۲۰۷-۱۸۷.
۵. توکل نیا، اسماعیل. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط استراتژی تجاری و گزارشگری سرمایه انسانی با استفاده از روش گشتاور تعمیم یافته. پژوهش حسابداری. ۳(۱۰)، ۱۰۹-۱۲۷.
۶. جاوید، داریوش. دستگیر، محسن. عرب صالحی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر کیفیت کنترل داخلی بر محافظه کاری مشروط در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مالی. ۷(۲۶)، ۱۲۵-۱۵۱.
۷. حاجیها، زهره. (۱۳۹۶). راهبرد تجاری تدافعی و اکتشافی، عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط قیمت سهام. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۸(۳۱)، ۷۵-۹۴.
۸. حاجیها، زهره. اورادی، جواد، صالح آبادی، مهري. (۱۳۹۶). ضعف در کنترل های داخلی و تأخیر گزارش حسابرسی. حسابداری مالی. ۹(۳۳): ۷۸-۹۶.
۹. حاجیها، زهره. محمد حسین نژاد، سهیلا. (۱۳۹۳). عوامل تاثیر گذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل های داخلی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷(۲۶)، ۱۱۹-۱۳۷.
۱۰. خوش طینت، محسن. اسماعیلی، شاهپور. (۱۳۸۵). رابطه بین کیفیت سود و بازده سهام. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۳(۱۲)، ۲۷-۵۶.

۱۱. دیانتی دیلمی، زهرا. بنی مهد، بهمن. روستایی، الهام. (۱۳۹۶). رابطه بین استراتژی تجاری و سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات. ۲۳(۲۵)، ۱۵۶-۱۲۳.
 ۱۲. رستمی، شعیب. کهنسال، ثمین. (۱۳۹۴). مباحثی نوین از کنترل داخلی. حسابرس. شماره ۷۸، ۱۰۰-۹۲.
 ۱۳. رضوی عراقی، سید محمد رضا. جهانشاد، آزیتا. مستوفی، امیر. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر ضعف های عمده کنترل داخلی بر ناکارایی سرمایه گذاری، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۰(۳۸)، ۱۴۳-۱۶۷.
 ۱۴. سازمان بورس اوراق بهادار (۱۳۹۱)، دستورالعمل کنترل های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس.
 ۱۵. شباهنگ، رضا. برهانی، حمید. (۱۳۷۷). سنجش کارایی در بانک های تجاری ایران و ارتباط آن با ابعاد سازمانی و مالی. آینده پژوهشی مدیریت. ۱۰(۳۶)، ۴۹-۶۴.
 ۱۶. فخاری، حسین. کبیری، محمدتقی. (۱۳۹۷). بررسی اثر تعدیل‌کنندگی گزارش حسابرسی بر ارتباط افشای ضعف کنترل‌های داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی. پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۷(۲۷)، ۱۶۹-۱۴۷.
 ۱۷. کرباسی یزدی، حسین. (۱۳۸۴). استانداردهای کنترل داخلی در دولت. دانش حسابرسی. شماره ۲۶، ۴-۱۳.
 ۱۸. محب علی، داود. رحمان سرشت، حسین. (۱۳۸۲). مدیریت استراتژیک کاربردی. مرکز بهره وری ژاپن. انتشارات دانشگاه علامه. تهران.
 ۱۹. محمدپور، فرشاد. توکل نیا، اسماعیل. اکبرپور، مجتبی. (۱۳۹۲). ارزیابی کنترل داخلی و آثار افشای اطلاعات. ماهنامه بازار سرمایه ایران. ۱۰۷، ۶۶-۶۲.
 ۲۰. نمازی، محمد. (۱۳۹۲). حسابداری مدیریت استراتژیک: از تئوری تا عمل. سمت، تهران.
 ۲۱. نمازی، محمد. دهقانی، علی اصغر. قوهستانی، سمانه. (۱۳۹۶). خود شیفتگی مدیران و استراتژی تجاری شرکت‌ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۶(۲۲)، ۳۷-۵۱.
22. Balsam, S., Fernando, G. D. and Tripathy, A. (2011). The impact of firm strategy on performance measures used in executive compensation. *Journal of Business Research*, 64(2), 187-193.

23. Balsam, S., G. D. Fernando and A. Tripathy. (2011). The impact of firm strategy on performance measures used in executive compensation. *Journal of Business Research*, 64(2), 187-193.
24. Bedard, J. C. and L. Graham. (2011). Detection and severity classifications of Sarbanes-Oxley Section 404 internal control deficiencies. *The Accounting Review*, 86(3), 825-855.
25. Bedard, J. C., R. Hoitash, U. Hoitash and K. Westermann. (2012). Material weakness remediation and earnings quality: A detailed examination by type of control deficiency. *A Journal of Practice & Theory*, 31(1), 57-78.
26. Bentley, K. (2012). Antecedents to financial statement misreporting. The influence of organizational business strategy, ethical culture and climate, Texas A & M University.
27. Bentley, K. A., N. J. Newton and A. M. Thompson, (2017). Business strategy, internal control over financial reporting, and audit reporting quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 36(4), 49-69.
28. Bentley, K. A., T. C. Omer and N. Y. Sharp. (2013). Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemporary Accounting Research*, 30(2), 780-817.
29. Chan, K., G. Kleinman and P. Lee. (2009). The impact of Sarbanes-Oxley on internal control remediation. *International Journal of Accounting & Information Management*, 17(1), 53-65.
30. Chenhall, R. H. (2003). Management control systems design within its organizational context: findings from contingency-based research and directions for the future. *Accounting, organizations and society*, 28(2-3), 127-168.
31. Cohen, D. A., A. Dey and T. Z. Lys. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre-and post-Sarbanes-Oxley periods. *The accounting review*, 83(3), 757-787.
32. Doyle, J., W. Ge and S. McVay. (2007). Determinants of weaknesses in internal control over financial reporting. *Journal of accounting and Economics*, 44(1-2). 193-223.
33. Fisher, J. (1995). Contingency-based research on management control systems: categorization by level of complexity. *Journal of accounting literature*, 14-24.
34. Ge, W., and S. McVay. (2005). The disclosure of material weaknesses in internal control after the Sarbanes-Oxley Act. *Accounting Horizons*, 19 (3), 137-158.
35. Goh, B. W. (2009). Audit committees, boards of directors, and remediation of material weaknesses in internal control. *Contemporary Accounting Research*, 26(2). 549-579.
36. Hammersley, J. S., L. A. Myers and C. Shakespeare. (2008). Market reactions to the disclosure of internal control weaknesses and to the characteristics of those weaknesses under section 302 of the Sarbanes Oxley Act of 2002. *Review of Accounting Studies*, 13(1), 141-165.
37. Higgins, D., Omer, T.C., Phillips, J.D. (2015). The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 32 (2). 674-702.

38. Ittner, C. D., D. F. Larcker, and M. V. Rajan. (1997). The choice of performance measures in annual bonus contracts. *The Accounting Review*, 72 (2). 231–255.
39. Johnstone, K., C. Li and K. H. Rupley. (2011). Changes in corporate governance associated with the revelation of internal control material weaknesses and their subsequent remediation. *Contemporary Accounting Research*, 28(1). 331-383.
40. Kinney Jr, W. R. (2000). Research opportunities in internal control quality and quality assurance. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19(1). 83-90.
41. Kinney Jr, W. R., R. D. Martin and M. L. Shepardson. (2013). Reflections on a decade of SOX 404 (b) audit production and alternatives. *Accounting Horizons*, 27(4). 799-813.
42. Kinney, J., R. William and M. L. SHEPARDSON. (2011). Do control effectiveness disclosures require SOX 404 (b) internal control audits? A natural experiment with small US public companies. *Journal of Accounting Research*, 49(2), 413-448.
43. Lin, S., M. Pizzini, M. Vargus and I. R. Bardhan. (2011). The role of the internal audit function in the disclosure of material weaknesses. *The Accounting Review*, 86(1), 287-323.
44. Messier Jr, W. F. and L. A. Austen (2000). Inherent risk and control risk assessments: Evidence on the effect of pervasive and specific risk factors. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19(2), 119-131.
45. Miles, R. E. and C. C. Snow (1994). *Fit, Failure, and the Hall of Fame: How Companies Succeed or Fail*, Free press.
46. Miles, R. E. and C. C. Snow. (2007). Organization theory and supply chain management: An evolving research perspective. *Journal of operations management*, 25(2). 459-463.
47. Miles, R. E., C. C. Snow, A. D. Meyer and H. J. Coleman. (1978). Organizational strategy, structure, and process. *Academy of management review*, 3(3), 546-562.
48. Miller, D. and P. H. Friesen.(1978). Archetypes of strategy formulation. *Management science*, 24(9). 921-933.
49. Porter, M.E., Kramer, M.R.(2006). The link between competitive advantage and corporate social responsibility. *Harvard Business Review*, 84 (12), 78–92.
50. Rugman, A. M. and A. Verbeke. (1988). Does competitive strategy work for small business? *Journal of Small Business & Entrepreneurship*, 5(3), 45-50.

Evaluating the Role of the Business Strategy in assessing the strength of Internal Controls over Financial Reporting

Mina Sheikhi Garjan^{۱۳}

Iraj Noravesh^{۱۴}

Ahtaollah Mohamadi Molgharani^{۱۵}

Abstract:

Establishing an effective internal control system in economic entities increases the effectiveness and efficiency of operations and ensures the reasonable assurance of the quality of reporting and compliance with laws and regulations. According to organizational theory, companies with an aggressive strategy in comparison to companies with a defensive strategy are likely to report more significant weaknesses in internal controls. The aim of the present research is to examine the relationship between the business strategy and internal control over financial reporting of accepted companies in Tehran Stock Exchange. In this research, 135 companies have been selected during the period of 2010 to 2017 from the accepted companies in Tehran Stock Exchange. Research findings indicate that there is a direct and meaningful relationship between business strategy and the existing weakness of internal controls in business entities. On the other hand, there is a positive and meaningful relationship between the business strategy used by the business entity and the improvement of internal control weaknesses in the coming years. The findings suggest that the business strategy can be considered as a useful indicator in assessing the strength of internal controls of the companies.

Keywords: Business Strategy, Material Weakness, Internal Controls

JEL Classification: M42

13 . Phd Accounting Student, Department of Accounting, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

14. Prof., Department of Accounting, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (Corresponding Author, Inoravesh@ut.ac.ir)

15. Assistant Prof., Department of Accounting, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran